

## عنوان مقاله:

نگاهی دیگر به قصه زال و رودابه

## محل انتشار:

فصلنامه کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، دوره 7، شماره 13 (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

## نویسنده:

غلامرضا رحمدل شرفشادهی - عضو هیات علمی دانشگاه گیلان

## خلاصه مقاله:

قصه زال و رودابه در بستری از تقابل دوگانه (Binaryopposition) جریان دارد. تقابل بین زابلستان به محوریت زال و کابل به محوریت مهرباب. زال و زابل در پرتو فره ایزدی و گزاره های اهورامزدايي معنا می شوند و مهرداد و کابل با گزاره های اهریمنی؛ زیرا مهرباب از تبار ضحاک مار بدوش و ریشه گرفته از دشت سواران نیزه گزار است. زال بجای شیر انسان ها، گوشت و خون حیوانات را خورده و با پاره های تن وحوش تغذیه شده و در محیط آزاد، بی پروا و وحشی وحوش پرورده شده، از این رو تحت تاثیر خوی آزاد و بی پروای کوه و صحرا سنت ریشه دار و تابو شده متعارف، مبنی بر ممنوعیت پیوند تبار ایزدی و تبار اهریمنی را ساخت شکنی (Deconstruction) می کند و با رودابه از نسل ضحاک ازدواج می نماید. رستم که محصول ازدواج نسل اهریمن و نسل اهورامزداست گرچه برخورد از فره ایزدی است، اما خون ضحاک در رگ هایش جاریست، بنابراین در ساختار شاکله ایزدی رستم چند نقطه ضعف هم گنجانده شده است که از جمله آن مکر با اسفندیار و کشتن سهراب است. ضحاک بدون آنکه بخواهد تحت اغواگری های اهریمن بیرون، پدر خود را می کشد. رستم بدون اینکه بخواهد یا بداند تحت تاثیر وساوس تفوق طلبانه اهریمن درون، که با عبارت «نامپوشی» توجیه می شد، پسر خود را می کشد. به هر تقدیر عناصر داستان، اعم از اشخاص و حوادث، در جریانی از تقابل دوگانه حرکت می کنند. اجزاء این تقابل دوگانه، گاه با هم در تعامل (Interaction) و گاه در تضاد (Paradoa) هستند، یعنی زیر ساخت یگانه و روساخت متکثر دارند. بررسی چگونگی ساخت-شکنی در داستان زال و رودابه محور مقاله حاضر است.

## کلمات کلیدی:

شاهنامه، زال، رودابه، ساخت شکنی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1734581>

